

دولت از هیاهوی انتخابات انجمن‌های ایالتی چه خیالی دارد؟

چندی است هیئت حاکمه بعنوان یک گام تازه و بلند دیگر در جهت تأمین آزادی و تعمیم دموکراسی بمنظور تسریع در وظایف اصلاحی وسیع خود (!) وعده انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی را داده سر و صدای حق رأی خانمها را به راه انداخته است.

دولت با این عمل خود چه خواب تازه‌ای برای مردم دیده و چه قصدی دارد؟

امر مسلم اینست که دل آقایان برای آزادی و حق انتخاب کردن کسی نسوخته است و به هیچ وجه قصد اعطای حق به زنها و یا مردها و اجرای انتخابات صحیح و واگذاری کارها به مردم در بین نیست. وقتی علیرغم نص صریح قانون اساسی و سنت ۵۶ ساله مشروطیت با بی‌پروائی فوق‌العاده‌ای ملت ایران را از انتخابات مجلس شورای ملی محروم می‌کنند خیلی مضحک است که بخواهند به خانمها حق رأی انتخاب نمایندگان انجمن‌های ایالتی و بعد مجلس شورا را بدهند! مگر مردها در این مملکت چه حالا و چه دوره‌های بعد از کودتا که با آن رسوائی انتخاباتی بعمل می‌آمد حق رأی دارند و داشتند که زنها از آن محروم باشند؟! (یقیناً خواهران عزیز و روشنفکر ما گول چنین صحنه سازیها را نمی‌خورند.)

پس بحث در اینکه انتخابات انجمن‌های ولایتی چگونه باشد و چه کسانی رأی بدهند بحث کاملاً بیهوده‌ای است خصوصاً انجمن‌هایی که استانداران هر آن حق داشته باشند آنرا منحل نمایند.

با این اوضاعی که فعلاً داریم انجمن‌های شهری و ایالتی تشکیل نخواهد شد و یا اگر بشود از همانهایی پر خواهد شد که دولت می‌خواهد خواه زنها رأی بدهند خواه ندهند!

مطلب را بصورت دیگر باید عنوان کرده علت و انگیزه دستگاه از چند حال خارج نیست:

۱- دولت مانند معمول وعده‌ای می‌دهد - سروصدائی بپا می‌کند... و برای مدتی مردم را سرگرم می‌کند... تا بهتر بتواند خر مراد را چند صباحی باز به راحتی براند!

۲- برنامه ملعبه قرار دادن ناموس دینی و ملی ما را که خواسته استعمار و ضامن دوام و توسعه سواری بر ملت است چند قدم دیگر پیش ببرند.

۳- آشفتگی و اختلاف نظری را که در موضوع حق انتخاب زنها در بین مردم وجود دارد دامن زده طبقات متقدم و متجدد و دو جنس مقابل را بیش از پیش از یکدیگر دور نمایند تا مخالفین ملت از تشدید سوء ظن‌ها و اختلافات داخلی بهره برداری کاملتری بکنند.

۴- در نتیجه هیاهو ابراز مخالفت‌های احساساتی و استدلالی که له و علیه شرکت خانمها در انتخابات بعمل می‌آید دولت به بهانه عدم رشد اجتماعی ملت مجوزی در انظار داخلی و خارجی برای عمل خلاف قانون و خلاف حق خود دائر بر عدم اعطای آزادی و حق رأی کسب نماید و بکار برد.

۵- همانطور که جناب آقای دکتر مصدق رهبر واقعی و محبوب همگی در نامه ۲۸/۶/۴۱ اخیر خود بعنوان سخنگوی جبهه ملی اشاره فرمودند استناد دولت به اینکه «... مشروطه باید از پایین به بالاسرایت کند و تا انجمن‌های شهر و ایالتی انتخاب نشوند مردم نمی‌توانند وکلای خوبی انتخاب کنند عذری است بدتر از گناه چونکه در مملکت اول مردم نمایندگان مجلس را انتخاب می‌کنند چنانکه بعد مجلس قانونی برای تشکیل انجمن‌ها وضع نمود باین کار مبادرت می‌نمایند و تا نیم قرن بعد هم اگر مملکت دچار رژیم دیکتاتوری باشد اعضای انجمن نخواهند توانست به هویت اشخاص پی ببرند...»

چه بسا غرض دولت فعلی از پرتاب این گلوله تبلیغاتی و مشغولیاتی سنگرگیری مجددی باشد. یعنی پس از اینکه در دولت سابق مدتی تجدید نظر در آیین نامه انتخابات را بهانه کردند حالا هم با ایجاد یک اشکال عمدی در سر راه

انتخابات انجمن‌های ایالتی خواسته باشند وسیله معطله دیگری برای جوابگویی به ایراد گیرندگان و سر باز زدن از انتخابات بتراشند.

۶- اصولاً زمزمه اسقلال داخلی ایالات و تشکیل انجمن‌های شهر و ایالتی نغمه ناموزون تازهای نیست. خوش حافظه‌های سیاستخوان داخلی خوب بخاطر دارند که رزم‌آرا نیز در ابتدای حکومت خود دست بکار همین برنامه زد و کهنه کارهای مارگزیده سیاست استعماری در این دلسوزی دایه‌های مهربان‌تر از مادر مقدمات آزادی استان خوزستان را بمنظور واگذاری حقوق جدیدی به کمپانی صاحب امتیاز محلی یعنی شرکت سابق نفت دیدند...

در هر حال و با توجه به همه احتمالات و اغراض فوق نهضت آزادی ایران از دولت بسیار دلسوز و قانون پرست و دمکراسی طلب استدعا دارد فعلاً حق باز گرفته مردها را به خودشان پس بدهد و دخالتی در انتخابات ننماید تا بعد نوبت صحبت خانمها و انجمن‌های ایالتی برسد.

به خواهران ارجمند و خانمهای روشنفکر نیز توصیه می‌نماید فریب این حرفها را نخورند و اگر به فکر رهائی مملکت از سدهای استعماری و جهل و بیچارگی ملت هستند سنگ خیلی حقوق بدیهی‌تر و عمومی‌تر را که اول آنها حق آزادی مطبوعات و انتخابات است به سینه بزنند.

نهضت آزادی ایران

تهران - آبانماه ۱۳۴۱